

Sadaqah and Its Educational Instances with Focus on Ayatollah Khamenei's Viewpoint: A Jurisprudential and Narrative Analysis

Mohaddeseh Moeinifar *

*Faculty of Islamic Sciences and Researches, Imam Khomeini International University (IKIU)
Qazvin, Iran*

Abstract

This research delves into the multifaceted role of Sadaqah (a voluntary act of charity) within the framework of the six educational dimensions outlined in Iran's Fundamental Reform Document of Education. By employing a content analysis method, the study examines various narrations and Islamic jurisprudential texts to uncover the connections between Sadaqah and these instances, with a particular focus on the perspectives of Ayatollah Khamenei. Key findings reveal that Sadaqah is deeply intertwined with multiple dimensions of education, including Belief, Worship, and Ethics: Sadaqah is often linked to strengthening faith, fulfilling religious obligations, and cultivating moral virtues; Social and Political Dimensions: Sadaqah can foster social cohesion, alleviate poverty, and contribute to the overall well-being of society. It can also support political and social justice initiatives; Economic and Professional Dimensions: Sadaqah can stimulate economic growth, create employment opportunities, and promote ethical business practices; Scientific and Technological Dimensions: While less explicit, Sadaqah can indirectly support scientific and technological advancements by fostering a culture of generosity and philanthropy, which can incentivize innovation and research. The study concludes that Sadaqah plays a key role in the holistic development of individuals and societies. By understanding its multifaceted nature, policymakers, educators, and individuals can harness the potential of Sadaqah to achieve the broader goals of the Fundamental Reform Document of Education.

Keywords: Sadaqah, Ayatollah Khamenei, Jurisprudence, Fiqh, Narrations, Fundamental Reform Document of Education.

* Email: Moeinifar@isr.ikiu.ac.ir (Corresponding Author)

تحلیل مصادیق صدقه در روایات و فقه بر مبنای ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با رویکردی بر نظرات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

| محدثه معینی فر* |

چکیده

ساحت‌های تربیت و شناسایی آن، نقش مهمی در اجرایی کردن اهداف کلان تربیتی و جامعیت ابعاد تحقق آن دارد. تحلیل تربیتی آموزه‌های فقهی و روایی و کشف روابط این آموزه‌ها با ساحت‌های مختلف تربیت می‌تواند به پیشنهاد راهکارهای عملیاتی برای اجرای این آموزه‌ها منجر شود. این پژوهش با روش تحلیل محتوا در پی پاسخ به این سؤال است که تحلیل مصادیق صدقه در روایات و فقه براساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول با رویکردی بر نظرات آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟ بررسی مصادیق صدقه و زکات در روایات در ارتباط با ساحت‌های تربیت با نگاه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای با حکومت اسلامی پیوند جدی می‌یابد؛ این در حالی است که در سیر فقه سنتی این دیدگاه چندان مورد توجه نبوده است. برخی مصادیق صدقه در دو ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی و ساحت اجتماعی و سیاسی جای گرفته و ساحت زیبایی‌شناختی و هنری ارتباطی با مصادیق صدقه ندارد و ساحت زیستی و بدنی صرفاً با سه مصداق صدقه ارتباط دارد. ساحت اقتصادی و حرفه‌ای پس از ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی بیش‌ترین ارتباط را با مصادیق صدقه برقرار کرده و ساحت علمی و فناوری نیز به جهت ارتباط نیکی و احسان با علم، با برخی مصادیق صدقه مرتبط است. **واژگان کلیدی:** صدقه، زکات، فقه، روایت، سند تحول، تربیت، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

مقدمه

صدقه و زکات، موضوعاتی فقهی‌ای هستند که به فراخور در سیر تطور فقه در کتابی مستقل یا در بخشی از کتاب فقهی به آن پرداخته شده است. عمده مباحث درباره این دو موضوع نیز بیش‌تر در ابواب فقه عبادی طرح شده؛ از این‌رو، آنچه برای مکلف اهمیت دارد، آشنایی با مصادیق این مفاهیم می‌باشد تا در مرحله عمل بتواند به‌سادگی آن‌ها را به انجام برساند. علاوه‌بر این، مصادیق یک عمل عبادی برای فقیه نیز به‌عنوان تبیین‌کننده احکام الهی نیز مهم است، زیرا طرح مصادیق هر فعل عبادی از یک‌سو باید با استناد به منابع استنباط حکم شرعی صورت گیرد و از سوی دیگر، ابعاد تکلیف را برای مکلف روشن می‌کند.

با طرح ساحت‌های تربیت نیز علاوه‌بر اینکه تربیت به مرحله تحقق و عملیاتی نزدیک می‌شود، بستر عینیت‌بخشی به رشد جامع و متوازن به‌سوی اهداف الهی را فراهم می‌کند که مطلوب تربیت است. بررسی موردی هر یک از تکالیف مستحب و واجب در ارتباط با ساحت‌های تربیت، می‌تواند در نهایت به راهکارهای عملیاتی منتهی گردد که همه ابعاد آن برای مربی و متربی روشن و در نتیجه، تحقق آن میسر شود. این پژوهش با روش تحلیل محتوا در پی پاسخ به این سؤال است که تحلیل مصادیق صدقه در روایات و فقه براساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با رویکردی بر نظرات آیت‌الله خامنه‌ای چیست.

پیشینه تحقیق

با بررسی پژوهش‌های مختلف می‌توان به تفاوت این پژوهش با سایر پژوهش‌ها در موضوع، روش و یافته‌ها پی برد. این پژوهش تلاش کرده است سه ساحت فقه، روایت و علوم تربیتی را به هم نزدیک گرداند و از آمیختن این علوم به یافته‌های جدیدی دست یابد که در جدول ۱ قابل مشاهده است:

جدول ۱- پیشینه پژوهش

رج	عنوان	سال	روش تحقیق	یافته‌ها
۱	الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش	۱۳۹۱	فاقد روش	این مقاله با بررسی الزامات مدیریتی تحول بنیادین به دوازده مورد از عوامل مهم و اثرگذار در مراحل مختلف آغاز تثبیت و بازنگری مدیریت تحول اشاره کرده و التزام به آن‌ها را لازمه تحقق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برشمرده است. فهم دقیق و عمیق مفاهیم تحول‌آفرینی به‌ویژه مبانی نظری و مفاهیم فلسفی تحول بنیادین به‌همراه تلاش برای گسترش و نهادینه‌سازی فرهنگ تحول‌خواهی و تحول‌آفرینی در درون نظام آموزش و پرورش و همسو کردن عوامل محیطی و نیز برنامه‌ریزی و طراحی مدل اجرایی کارآمد و ایجاد سازوکارهای نظارتی هوشمند از جمله مواردی می‌باشد که در این بررسی به آن‌ها اشاره شده است.
۲	ارتباط تعلیم و تربیت اسلامی با ساحت زیستی و بدنی سند تحول بنیادین مبتنی بر فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای	۱۳۹۴	فاقد روش	در اسلام بر تندرستی و ورزش تأکید زیادی شده که بیش‌تر ناظر به ورزش همگانی و کسب تندرستی است و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز همواره در بیان دیدگاه‌های خود می‌فرماید هدف نهایی تعلیم و تربیت اسلامی، رشد همه‌جانبه فرد در ابعاد مختلف جسمانی، عاطفی، ذهنی، عقلانی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی است. تربیت بُعد جسمانی به‌عنوان بستری برای رشد سایر ابعاد فردی (به مصداق عقل سالم در بدن سالم) دارای اهمیت خاصی می‌باشد. در تعلیم و تربیت اسلامی نیز به تربیت این بُعد توجه

زیادی شده است. هدف آموزش و پرورش تربیت انسان است تا دانش‌آموزانی در تراز نظام مقدس جمهوری اسلامی قرار گیرند.				
با توجه به سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، آموزش و پرورش ما به انقلاب نیاز دارد و نه تغییر آرام و بی‌سروصدا. در واقع نیاز ما نفی گذشته تقلیدی و کهنه آموزش و پرورش است، نه اصلاح و بهبود همان وضعیت. مشخص شد که برای تحول بنیادین در آموزش و پرورش باید با برنامه و نقشه عملیاتی مستحکم، متقن و جدید که اجماع نخبگان بر آن است در دو بُعد شکلی و محتوایی آموزش و پرورش با به‌کارگیری کارگزاران اصلی، تحول انجام گیرد و شایسته است نگاه مصرفی به نگاه سرمایه‌گذاری و عدالت‌محوری براساس اسناد بالادستی و چشم‌انداز ۱۴۰۴ تغییر یابد. از دستاوردهای مهم چنین تحولی تربیت نیروی انسانی طراز جمهوری اسلامی و شاهد و مبشر ملت‌های دیگر می‌باشد.	روش داده‌بنیاد	۱۳۹۸	الگوی نظام‌مند تحول بنیادین در آموزش و پرورش از آیت‌الله خامنه‌ای	۳
در یک پاراگرافی به اقسام صدقه اشاره کرده‌اند و صدقه را به دو قسم مادی (نقدی و غیرنقدی) و غیرمادی (کلامی و غیرکلامی) تقسیم کردند. در این مقاله صدقه مادی را کالا یا پولی دانسته‌اند که به فرد نیازمند داده می‌شود و صدقه غیرمادی را گفتار نیکو یا لبخند یا شادکردن فرد نیازمند یا هرگونه تأمین نیاز دیگران، تعریف کرده‌اند.	فاقد روش	۱۴۰۰	اصول مواجهه با انواع متکدیان براساس آموزه‌های قرآن و احادیث	۴
ساحت‌های مختلف تربیتی هم‌خوانی و هم‌سویی گسترده‌ای با آموزه‌های اسلامی دارد و صاحب‌نظران عرصه تعلیم و تربیت کشور،	فاقد روش	۱۴۰۱	تحلیل مبانی فقهی ساحت‌های	۵

ساحت‌ها را براین اساس نوشته‌اند، زیرا اهمیت اتکا به این مبانی برای بروز توانمندی‌ها و رسیدن به حیات طیبه و کمال مطلوب، انکارناپذیر است.			شش‌گانه تربیتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
---	--	--	--

روش تحقیق

تحلیل محتوای کیفی مانند همه طرح‌های کیفی از ماهیت انعطاف‌پذیر، ماریجی یا غیرخطی، خلاقانه و فاقد فرمت خاص پیروی می‌کند. در تحلیل محتوای کیفی از تعیین نام، عنوان یا مقوله‌بندی براساس فهرست پیشین دوری می‌شود و مفهوم‌یابی و طبقه‌بندی آن‌ها باید مانند تحلیل تماتیک و نظریه زمینه‌ای به صورت استقرایی و استفهامی در جریان متن کاوی انجام گردد (محمدپور، ۱۳۹۰: ۴۳۰). این مقاله در صدد است با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و کدگذاری ۹۳۴ حدیث با موضوع صدقه در نرم‌افزار MAXQDA2020 به این سؤال اساسی پاسخ دهد که تحلیل مصادیق صدقه در روایات و فقه براساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با رویکردی بر نظرات آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟ در این مقاله از پایگاه تخصصی جامع الاحادیث برای جست‌وجو، استخراج و جمع‌آوری روایات استفاده شده است. پایایی تحقیق نیز از طریق فرمول اسکات محاسبه شده و این ضریب برای چهار متغیر و کدگذاری مجدد ده درصد از خبرها توسط کدگذار دوم با فاصله زمانی یک ماه، ۸۵ درصد می‌باشد که پایایی قابل‌قبولی را نشان می‌دهد. میزان اعتبار نیز به وسیله اعتبار صوری فراهم شده است.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش را باید به دو بخش تقسیم کرد، زیرا یک بحث موضوع صدقه و مصادیق آن از دیدگاه فقیهان شیعه به‌ویژه آیت‌الله خامنه‌ای است و بخش دوم، شامل بحث سند تحول بنیادین از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد، زیرا تحول در آموزش و پرورش از منویات ایشان و در مواضع بسیاری مورد تأکید ایشان بوده است.

الف- ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

با توجه به اهمیت تحول در آموزش و پرورش از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان در سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور (۱۳۹۲/۰۲/۱۰)، فارغ از ساحت‌های تربیتی سند تحول، به چند مطالبه اساسی اشاره می‌کنند که رویکرد ایشان را نسبت به جهت این تحول نشان می‌دهد. در بند یک آمده است: «تحول در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت

اسلامی در جهت رسیدن به حیات طیبه (زندگی فردی و اجتماعی مطلوب اسلامی) و رشد و شکوفایی استعدادهای فطری و ارتقای کیفی در حوزه‌های بینش، دانش، مهارت، تربیت و سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان با تأکید بر ریشه کن کردن بی‌سوادی و تربیت انسان‌های مؤمن، پرهیزکار، متخلق به اخلاق اسلامی، بلند همت، امیدوار، خیرخواه، بانشاط، حقیقت‌جو، آزادمنش، مسئولیت‌پذیر، قانون‌گرا، عدالت‌خواه، خردورز، خلاق، وطن‌دوست، ظلم‌ستیز، جمع‌گرا، خودباور و ایثارگر و «سپس در بند ۵ به این مطلب اشاره می‌شود: اهتمام به تربیت و پرورش مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی به‌ویژه در:

۵-۱- ارتقای معرفت و بصیرت دینی برای رشد و تعالی معنوی و اخلاقی معلمان و دانش‌آموزان و تلاش برای ارتقای معنوی خانواده‌ها.

۵-۲- ارتقای سلامت جسمی و روحی معلمان و دانش‌آموزان و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی.

۵-۳- ارتقای تربیت عقلانی و رشد بینش دینی، سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان و اهتمام به جامعه‌پذیری برای تحکیم وحدت و همبستگی ملی، وطن‌دوستی و مقابله هوشمندانه با تهاجم فرهنگی و پاسداشت استقلال، آزادی، مردم‌سالاری دینی و منافع ملی». ایشان با اشاره به بند ۵ به‌طور دقیق کارکرد این اصول را مدنظر قرار داده‌اند و پس از آن می‌فرماید: «برای تهیه سازوکاری که تعلیم و تربیت در آن مؤثر باشد و جهت درست داشته باشد، خیلی باید سرمایه‌گذاری نمود. اینکه ما بر روی این تحول بنیادین در آموزش و پرورش در سال‌های گذشته تکیه کردیم - که خوب، بحمدالله امروز سند این تحول در اختیار آموزش و پرورش است و در واقع نقشه راه، مشخص و معین شده است - برای خاطر این است. تحول در انسان‌ها، تغییر صحیح در دل‌ها و باورها و حرکات و خلیات و امثال این‌ها، احتیاج دارد به یک زیرساخت محکم؛ این زیرساخت، آموزش و پرورش می‌باشد. آموزش و پرورش ما آن روزی که در کشور به شکل جدید درآمد، براساس یک مبنای فکری و اعتقادی دیگر به‌وجود آمد؛ ما هم در طول ده‌ها سال - از اولی که آموزش و پرورش جدید در کشور آمد - بر همان مبنا حرکت کردیم، در واقع در همان ریل پیش رفتیم که خوب، ریل درستی نبود. این سند تحول باید ما را به سمت هدف‌های اسلامی حرکت دهد؛ باید جامعه را به سبک زندگی حقیقتاً اسلامی پیش برد؛ باید بتواند در ما خصلت‌های والای انسانی را به وجود بیاورد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۸/۰۲/۱۳۹۲).

از آنجاکه دغدغه اساسی ایشان همیشه نسبت به عملیاتی کردن برنامه‌ها بوده است، در جای دیگر می‌فرماید: «پس در طرح تحول، طبعاً هدف‌ها در درجه اول است؛ هدف‌ها باید مشخص شود - هدف‌های کلان - که البته همه این هدف‌ها باید متکی باشد به اسلام و وحی و مبادی محکم عقیدتی و قرآنی و نیازهای حقیقی جامعه ایرانی با خصوصیاتش که دارد؛ باید متکی به این چیزها باشد.

هدف‌ها که مشخص شد، براساس این هدف‌ها، دستورالعمل‌ها و راهبردهای کلی مشخص می‌شود. این‌ها کارهایی است که در طرح تحوّل شما صورت گرفته؛ یعنی این کارها را انجام داده‌اند. البته باید این راهبردها و دستورالعمل‌ها که معین می‌شود، روشن باشد، با تبیین صحیح مفهوم موردنظر همراه باشد؛ لفاظی و مانند این‌ها در آن به درد نمی‌خورد، فایده‌ای ندارد؛ باید مشخص باشد که چه کار می‌خواهیم بکنیم، آن دستورالعمل کلی و راهبرد کلی چیست. براساس این راهبردها، آن وقت هدف‌های عملیاتی جزء به جزء مشخص گردد که در هر بخشی چگونه عمل کنیم و این هدف‌ها چیست. بعد از آنکه این هدف‌های عملیاتی و در واقع سیاست‌های عملی مشخص شد، آن وقت نوبت برنامه اجرایی مشخص است برای رسیدن به این [هدف‌ها]» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۰۶/۱۱). از همین رو، در این پژوهش، ساحت‌های تربیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در یک موضوع جزئی؛ یعنی صدقه مورد بررسی قرار گرفت و مصادیق آن با این ساحت‌ها تطبیق داده شد.

ایشان در جای دیگر به یکی از مهم‌ترین لوازم عملیاتی کردن سند تحول اشاره می‌کند و می‌فرماید: «بدنه آموزش و پرورش کشور با این سند آشنا بشوند؛ مطالبات این سند را بدانند که چیست. معلّمی که در فلان مقطع دبستان یا دبیرستان تدریس می‌کند، بداند که این تحوّل بنیادین از شخص او چه خواسته است. مدیر و رئیس دبستان یا دبیرستان بداند که وظیفه او و تکلیف او در قبال دانش‌آموز براساس این سند چیست. مطالبات این سند باید مشخص گردد؛ باید برنامه‌ریزی کرد برای اینکه ما مطالبات سند را در سطح وسیع و گسترده آموزش و پرورش تفهیم کنیم، بحث کنیم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶)؛ بنابراین، لازم است که با طرح مصادیقی چون پژوهش حاضر، درک مخاطبان سند مذکور را از آن ارتقا داد و زمینه را برای انجام پژوهش‌های آتی فراهم کرد.

ب- مصادیق صدقه در فقه سنتی در مقایسه با دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

عمده فقیهان شیعه بر تقسیم صدقات به واجب و مستحب وفاق دارند (بحرالعلوم، ۱۴۰۳: ۴۲/۱)؛ اما برخی علاوه بر این تقسیم، برای صدقه واجب و مستحب، به صورت مستقیم و یک‌جا (روش مستقیم و متمرکز) به مصادیقی اشاره می‌کنند (حلی، ۱۳۸۶: ق: ۴۸-۴۹) که در جدول ۲ قابل مشاهده است:

جدول ۲- مصادیق صدقه واجب و مستحب از دیدگاه یحیی بن سعید حلی

مصادیق صدقه واجب	مصادیق صدقه مستحب
زکات مال	صدقه نماز شب و صدقه نمازهای نافله روز که برای هر دو رکعت نماز یک مد طعام به مساکین می‌دهند و اگر نتواند

یک مُد طعام برای چهار رکعت و اگر قادر نبود، یک مُد طعام برای نماز نافله شب و یک مُد طعام برای نماز نافله روز اعطا کند؛ زکات مال تجارت (برخی واجب می‌دانند)	
زکات غلاتی غیر از ۹ قسم مذکور که به حد نصاب رسیده	زکات فطره
زکات مال دین که تأخیر آن بر عهده مدیون از سوی قرض‌دهنده باشد و مدیون آن را بدهد، اما طلبکار از گرفتن آن امتناع ورزد، امانت در دست او تعیین می‌یابد و اگر یک‌سال گذشته باشد، در صورت احراز شرایط زکات و رسیدن به حد نصاب طلا و نقره یا شتر، گاو یا گوسفند، باید زکات آن پرداخت شود	قربانی قارن
زکات اسب‌های سائمه، اگر یک سال گذشته باشد	قربانی در حج تمتع
زکات جواهری که استفاده از آن حرام است، مانند زیورآلات زنانه برای مردان و زیورآلات مردانه برای زنان	قربانی کسی که دشمن مانع انجام حج او شده است
زکات فطره برای کسانی که به حد نصاب اموال ۹ گانه نرسیدند و زکات مال غایب در صورتی که نتوانند آن را به دست آورند و یک سال یا سال‌ها از ضایع شدن آن می‌گذرد، اگر به او برگردد، یک سال زکات آن را پردازد	قربانی کسی که بیماری مانع حج او شده است
زکات شمش طلا و نقره، اگر قبل از گذشت یک سال به آتش نزدیک نمایند و از آن، درهم و دینار ضرب کنند	مال لقطه در حرم پس از یک سال اعلام آن
صدقه برای خوشه‌ای از میوه‌ها در روز رسیدن و افزایش آن و صدقه برای یک یا دو کاسه بزرگ محصول در روز برداشت آن‌ها	کفارات واجب
صدقه هنگام نماز حاجت	خاک طلا اگر قیمت آن معلوم نباشد
صدقه روز جمعه	دیه قطع سر و اعضای بدن میت و جراحات بعد از مرگش

<p>صدقه روز عرفه</p>	<p>قیمت برده در صورت قتل توسط مولایش (به اجماع فقیهان شیعه)</p>
<p>صدقه اعیاد قربان و فطر</p>	<p>قیمت حیوانی که انسان با آن نزدیکی کرده و این حیوان از حیواناتی است که زکات ندارد و از آن سواری می‌گیرد، مانند اسب، قاطر، الاغ و مانند آن (طبق نظر کسانی که معتقدند قیمت این حیوان باید صدقه داده شود و برخی معتقدند قیمت حیوان بعد از فروش و انتقال آن به جای دیگر، به مالک تعلق دارد)</p>
<p>صدقه روز عید غدیر</p>	<p>ربا و سایر اموال غصبی اگر مقدار آن را می‌داند و صاحب آن را نمی‌شناسد، باید آن را صدقه دهد و اگر صاحب آن را می‌شناسد و مقدار آن را نمی‌داند، با او مصالحه کند، و اگر صاحب و مقدار آن را نداند، باید یک پنجم آن را خمس دهد و جایز است که باقی مانده را تصاحب نماید</p>
<p>صدقه برای کفن میت فقیر</p>	<p>صدقه‌ای که با نذر، عهد یا قسم واجب می‌شود</p>
<p>صدقه به مؤمن با شرط توانایی او به انجام واجبات و مستحبات</p>	
<p>گشاده‌دستی برای خانواده خود</p>	

صدقه هنگام بیماری	
صدقه از خوف سلطان یا دشمن	
صدقه سفر	
صدقه دادن با خرما هنگام فراغت از ادای حج	
هنگام خروج از مکه با یک درهم، خرما بخرد و صدقه بدهد	
قربانی گوسفند هنگام تراشیدن سرش	
قربانی گوسفند پیش از تراشیدن که بخواهد داخل خانه شود، بعد از عمره تمتع	
قربانی گوسفند برای فراموشی تقصیر در عمره تمتع و ورود به حج تمتع	
صدقه به کسانی که در آستان در کمک بخواهند	
صدقه معادل وزن موی نوزاد از طلا یا نقره در روز هفتم تولد	
عقیقه و صدقه به مکاتب	

(منبع: نویسنده)

برخی علاوه بر توضیح کامل درباره زکات، با این بیان که «نصوص شامل توابع زیادی برای صدقه است، همان طور که حکم به صدقه شامل اموری مانند توسعه بر خانواده، بذل جاه و زبان خوش و موارد مثل آن است که در فضل مشابه صدقه هستند، زیرا حقیقت دارند» (نجفی، ۱۳۶۳: ۱۳۲/۲۸)؛ به برخی مصادیق صدقه مستحب اشاره کرده‌اند. آیت الله خامنه‌ای نیز صدقات را به دو گروه صدقه واجب و مستحب تقسیم کرده و می‌فرماید: «به نظر ما صدقات عام است و منحصر به زکات نمی‌شود؛ بلکه جایز است درآمد مالی دیگری هم برای حکومت اسلامی فرض کنیم، ولی مصرف معینی جز این هشت مورد برایش در نظر نگیریم. البته خمس نیز یک نوع درآمد خاص در جامعه اسلامی است؛ اما بقیه درآمدهای مالی جامعه اسلامی از جمله صدقات می‌باشد که می‌تواند محکوم به این حکم باشد و در این هشت مورد که در آیه ذکر شده است، مصرف شود» (خامنه‌ای (الف)، ۱۴۰۱: ۳۱۳).

برخی معاصران نیز پس از تقسیم زکات به واجب و مستحب، زکات مستحب را به دو قسم تقسیم می‌کنند: مطلق و معین (مروارید، ۱۴۱۰: ۵/ ۱۵۰). به‌علاوه، مستحب را به دو گروه مستحب قربت و مستحب ارشاد تقسیم کرده و نماز مستحبی، صدقه مستحبی و روزه مستحبی را در گروه نخست و شهادت بر بیع را در گروه دوم قرار داده‌اند (مروارید، ۱۴۱۰: ۳۳/ ۱۷۳). بیش‌تر فقیهان به‌صورت پراکنده به برخی مصادیق فوق اشاره کرده‌اند که در جدول طرح شده‌اند:

جدول ۳- مصادیق صدقه از دیدگاه سایر فقیهان

مصادیق صدقه مستحب در فقه		مصادیق صدقه واجب در فقه
مصادیق غیرمالی	مصادیق مالی	
توسعه رزق‌وروزی برای خانواده ^۳ به‌گونه‌ای که می‌تواند بین صدقه دادن به دیگران و توسعه بر خانواده، دومی را برگزیند. ^۴	صدقه مال لقطه ^۲	زکات ^۱
	صدقه مال مجهول‌المالک در برخی حالت‌ها ^۷	زکات فطره ^۵ و وجوب آن حتی بر کافر ^۶
	صدقه در اول هر روز و اول هر شب برای دفع نحوست ^۹	رد مظالم ^۸
	صدقه دادن هنگام خروج برای سفر امن از سرقت و مانند آن ^{۱۱}	زکات مال التجاره ^{۱۰}
	صدقه هنگام پیش‌بینی بلا و ترس از بادهای سیاه ^{۱۳}	زکات مکاتب ^{۱۲}
	صدقه دادن در اوقات شریفه مانند روز جمعه، روز عرفه و ماه رمضان (مستحب مؤکد) ^{۱۴}	
	صدقه اول ماه قمری ^{۱۵}	

	صدقه به ارحامی که دشمن هستند (مستحب مؤکد) ^{۱۶}	
	صدقه به خویشاوند ندارد ^{۱۷}	
	صدقه پنهانی ^{۱۸} از صدقه آشکار بهتر است، مگر آنکه در مورد اتهام واقع شود که باید آن را اعلان کند ^{۱۹}	
	صدقه مال غایب که بعداً پیدا شده است ^{۲۰}	
	هزینه لقیط در صورتی که توانایی بازگرداندن هزینه را به کسی نداشته باشد که او را بزرگ کرده است ^{۲۱}	
	صدقه یک سوم قربانی ^{۲۲} یا حتی همه قربانی که از نظر برخی افضل ^{۲۳} یا واجب است (می‌تواند بخشی از قربانی را بردارد و قیمت آن را صدقه دهد) ^{۲۴}	
	کفارات محرّمات حج ^{۲۵}	
	دیه جنایت بر میت ^{۲۶}	
	مال حلال آمیخته به حرام ^{۲۷}	
	کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان ^{۲۸}	
	فراموشی تقصیرهای عمره تمتع ^{۲۹}	

	صدقه هنگام وداع کعبه (مقداری خرما خریده و مشت‌مشت به فقرا صدقه دهد تا کفاره احتمالی بعضی از تروک احرام که از روی غفلت انجام داده است، قرار گیرد) ^{۳۰}
--	--

(منبع: نویسنده)

حتی برخی به مصادیق دیگری هم اشاره دارند که در تقسیم یحیی بن سعید حلی نیامده است که در جدول ۴ به آن اشاره شده است:

جدول ۴- سایر مصادیق صدقه

مصادیق مالی	مصادیق غیرمالی
خاطرات دفاع مقدس و بیان و نشر فعالیت فرهنگی راهیان نور ^{۳۱}	وقف (صدقه مؤبد) ^{۳۲} به اعتبار منافع خود ^{۳۳} یا برخی وقف‌ها ^{۳۴}
هر دعوایی برای قضات که به يك حکم عادلانانه قضایی منتهی شود ^{۳۵}	صدقه صبی بنا بر نظریه صحت ^{۳۶}
فرهنگ‌سازی و انعکاس و پایداری يك فکر درست، به صورت واضح در ذهن مردم ^{۳۷}	حق مهمانی اگر ماندنش در منزل صاحب‌خانه بیش از ۳ روز شود ^{۳۸}
	نفقه خانواده ^{۳۹}
	کفن میتی که سیل جسد او را برده یا حیوان درنده او را خورده است (البته نظر مخالف هم است که کفن متعلق به وراثت اوست) ^{۴۰}
	پرداخت زکات فطره بعد از عید صدقه است ^{۴۱}
	زیاده بر خمس ^{۴۲}
	صدقه به نیابت از میت ^{۴۳}
	صدقه بدل قضای روزه میت که قادر بوده بگیرد و نگرفته است ^{۴۴}

	صدقه قیمت حیوان گمشده و صدقه قیمت منافعی که از آن برده است ^{۴۵}
	دیه متوفایی که از یافتن وراثت او مأیوس شده است ^{۴۶}
	صدقه مال قرضی که از یافتن صاحب آن (طلبکار) مأیوس است ^{۴۷} (البته برخی مخالف این نظر هستند و رجوع به حاکم را در این مسأله الزامی می‌دانند) ^{۴۸}
	بدل کفاره در صورت عدم توانایی پرداخت آن ^{۴۹}
	سرمایه‌گذاری مردم در بخش‌های تولیدی برای کمک به حکومت اسلامی ^{۵۰}

(منبع: نویسنده)

آنچه مسلم می‌باشد این است که مصادیق مدنظر در فقه همگی از صدقاتی هستند که از اموال پرداخت می‌شوند و تعاریف فقیهان با وجود اختلاف، نیز بر این امر دلالت دارد. برای نمونه، برخی صدقه را «تملیک به قصد قربت» (روحانی، ۱۴۲۰: ۱/۶۳؛ مروارید، ۱۴۱۰: ۵/۱۸۳) یا «بذل مال و تملیک در سبیل خیر، احسان و اعانه» (روحانی، ۱۴۲۰: ۱/۲۷۰) یا «احسان به مال با قصد قربت» (زین‌الدین، ۱۴۱۳: ۶/۱۷۰) و برخی دیگر آن را بر مبنای نگاه تمدن‌ساز اسلام، «درآمدهای مالی جامعه اسلامی» (خامنه‌ای(الف)، ۱۴۰۱: ۳۱۳) تعریف کرده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای درباره دلیل اتخاذ این دیدگاه می‌فرماید: «ما دیده بودیم که بعضی از روشنفکران پیش از پیروزی انقلاب می‌گفتند چرا به سائل کمک می‌کنید! حتی بعضی از افراد مذهبی هم تحت تأثیر آن فکر قرار گرفته بودند و می‌گفتند چرا به این فقرا کمک می‌کنید! غافل از اینکه این يك حکم الهی است؛ یعنی در حکومت حق هم باز يك جای خالی برای کمک به سائل و محروم باقی می‌ماند؛ «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ» (خامنه‌ای، بی‌تا: ۱۳/۱۲۱). در مورد زکات در معنای اعم نیز می‌فرماید: «زکات که دارای جنبه‌های فردی است و گذشت و اعطای «ما یحب» را به انسان می‌آموزد که خود این يك تجربه و آزمون بسیار مهم می‌باشد، اما يك ترجمان اجتماعی دارد؛ زکات در استعمالات قرآنی، به معنی مطلق انفاقات است، اعم از زکات مصطلحی می‌باشد که در آیه شریفه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (توبه، ۱۰۳) به آن اشاره شده است؛ زکات یعنی مطلق انفاقات مالی، [اما] جنبه

اجتماعی و ترجمان اجتماعی نظام‌ساز زکات این است که انسانی که در محیط اسلامی و جامعه اسلامی، برخوردار از مال دنیوی می‌باشد، خود را متعهد می‌داند، مدیون می‌داند، طلبکار نمی‌داند، خود را بدهکار جامعه اسلامی می‌داند؛ هم در مقابل فقرا و ضعفا، هم در مقابل سبیل‌الله؛ بنابراین زکات با این نگاه، یک حکم و شاخص نظام‌ساز است» (خامنه‌ای، بی‌تا: ۳۷/۲۴۲). اشاره ایشان به تعهد هر فرد مسلمان به جامعه اسلامی در موضوع پرداخت صدقه به خوبی مؤید دیدگاه تمدن‌ساز اسلام است.

در مورد دیدگاه سایر فقیهان نیز باید اذعان کرد تملیک اغلب در مورد اشیایی عینیت می‌یابد که مالیت داشته باشد. از این رو، هر چند فقیهان به حدیث هر معروفی صدقه است، در موضوعات مختلف چون ولایت فقیه، ولایت مؤمن و موارد مشابه استناد کرده؛ اما چندان به سایر مصادیق صدقه اشاره نکرده‌اند. البته صدقه افضل نیز از نظر آنان دارای مصادیقی است که به صورت مصرح آن را افضل می‌دانند یا در قالب مستحب مؤکد به آن‌ها اشاره می‌کنند. برخی فقیهان در مورد ویژگی‌های صدقه گیرنده، علاوه بر آنچه در برخی جداول به آن اشاره می‌شود، به ویژگی‌های متدین و عقیف نیز اشاره دارند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۵۳۸).

بحث و تحلیل

هرچند تربیت در نگاه نخست، امری بسیط به نظر می‌رسد، اما براساس دیدگاه‌های مختلف، ساحت‌های مختلفی را دارا است. از دیدگاه شهید مطهری می‌توان این ساحت‌ها را شامل مواردی چون پرورش علمی و فکری، عاطفی و اخلاقی، ذوقی و هنری، فنی و صنعتی، عبادی و پرستشی، اجتماعی و تعاونی دانست (مطهری، ۱۳۷۹: ۲/۱۷۴) و برخی نیز این ساحت‌ها را از دیدگاه ایشان به ۱۰ مورد افزایش داده‌اند: ساحت جسمانی، ساحت عقلانی، ساحت اراده، ساحت قلب، ساحت علمی، ساحت غریزی، ساحت اخلاقی، ساحت ذوقی و هنری، ساحت اجتماعی و ساحت فنی و صنعتی (مشایخی راد، ۱۳۹۰: ۱۱۲-۱۱۳). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز شش ساحت را در حوزه تربیت مدنظر قرار داده است: اعتقادی، عبادی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، زیستی و بدنی، اقتصادی و حرفه‌ای، زیبایی‌شناختی و هنری و علمی و فناورانه. پیوند صدقه با ساحت‌های تربیتی و رشد انسان از آن جهت است که «اگر با دید جامعه‌شناسانه‌ای به موضوع صدقات (اعم از صدقه و زکات) نگاه کنیم، خواهیم دید که واقعاً رشد جامعه و افراد آن به این است که بخشی از اموال مردم به وسیله پیامبر (ص) یا جانشین او به عنوان زکات گرفته شود و در مصالح عامه صرف گردد. تعبیر «تُرْکِیْهِمْ»، نه «تُرْکِی الْمَالِ»، خبر از رشد «شخص صدقه‌دهنده» می‌دهد، نه رشد مال او؛ چرا که معلوم است که با خارج کردن بخشی از اموال، هرچند به ظاهر، از دارایی انسان کاسته می‌شود».

«مسأله موردنظر آیه، پُرفروغ ساختن و نورانی کردن خود آن افرادی است که صدقه می‌پردازند. فروغ انسان به این است که صفات انسانی و فضایل اخلاقی‌اش زیادتر شود و با افزایش خصال نیکو، او به تعالی نزدیک‌تر گردد و در راه تکامل پیشروتر و پیشرفته‌تر. انسان آن وقت انسان است که مکارم اخلاق در او فزونی یابد» (خامنه‌ای (الف)، ۱۴۰۱: ۵۸۹). ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «جمع بین تلاش و سازندگی مادی با تلاش و سازندگی معنوی، یعنی همین؛ از این رو شما می‌بینید که آن کسی که در اسلام، اهل سازندگی مادی است، ازهد خلق الله هم اوست. امیرالمؤمنین (ع)، با دست خود چاه و قنات حفر کرد و آنگاه که آب به ضخامت گردن شتر فوران نمود، از چاه بیرون آمد؛ با همان لباس کار گل‌آلود، کنار چاه نشست و بر کاغذ نوشت که «این آب را برای فقرا وقف کردم و صدقه قرار دادم»؛ یعنی چون به آبادانی جایی پرداخت، آن‌ا در راه خدا انفاق می‌کند. منفق‌ترین، سازنده‌ترین، به ماده پردازنده‌ترین؛ و از لحاظ معنا، برترین و بالاترین. این، نتیجه تربیت و نشانگر برنامه رفاه مادی و معنوی اسلام و از عوامل بقا در اسلام است» (خامنه‌ای، بی‌تا: ۱۸/۱۰). در نگاه تمدنی ایشان، حیات نظام اسلامی نیز با انجام اموری مانند پرداخت صدقه پیوند می‌یابد و علاوه بر تربیت انسان در ساحت‌های شش‌گانه، ایجاد و حفظ نظام را به انجام و حفظ ارزش‌های دینی منوط می‌دانند: «انسان ممکن است نماز نخواند، روزه هم نگیرد، صدقه هم ندهد، تلاش هم نکند؛ راحت‌تر خواهد بود؛ این کُلفت را نخواهد داشت؛ اما آن محصول‌هایی را هم که برای زندگی و سرنوشت انسان لازم است، نخواهد داشت. نظام اسلامی، نظامی است که اساس آن بر تأمین خواسته‌های جسمی، روحی، مادی و معنوی انسان می‌باشد. وقتی این برداشت را از نظام اسلامی داریم، آن وقت برای ایجاد این نظام و برای حفظ این نظام، بزرگ‌ترین ارزش را در همه کارهای دینی قائل می‌شویم؛ از این رو امام فرمودند: «حفظ نظام اسلامی از واجب‌ترین واجبات است»؛ حقیقت نیز همین است» (خامنه‌ای، بی‌تا: ۲۲/۱۶). از این رو، روایات مربوط به مصادیق صدقه و زکات براساس ساحت‌های شش‌گانه مذکور تبیین خواهند شد.

۱. ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی

«قلمرو ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ناظر به خودشناسی و معرفت نسبت به خداوند متعال، معاد، نبوت، پذیرش ولایت رهبران دینی (پیامبر (ص) و ائمه معصومان (ع)) و پیروی از ایشان، ایمان (انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه دین حق؛ یعنی آئین زندگی و نظام معیار)، تقید عملی به احکام، مناسک و ارزش‌های دینی و رعایت اصول و آداب اخلاقی در زندگی روزمره (در همه ابعاد فردی و اجتماعی) و تلاش پیوسته برای خودسازی براساس نظام معیار (مهار غرائز طبیعی، تعدیل عواطف و خویش‌داری، حفظ کرامت و عزت‌نفس، کسب صفات و فضایل اخلاقی

و پیشگیری از تکوین صفات و رذایل اخلاقی) است» (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰: ۲۹۹). در بررسی مصادیق صدقه می‌توان مواردی را مشاهده کرد که با عناوینی چون «أَحَبُّ الصَّدَقَتَيْنِ»، «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ»، «خَيْرُ الصَّدَقَةِ» و «أَعْظَمُ الصَّدَقَةِ» در روایات آمده‌اند و در مقابل، برخی مصادیق نیز خالی از این عناوین هستند. در جدول ۵ تلاش شد مصادیق «أَحَبُّ الصَّدَقَتَيْنِ» مرتبط به ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی مطرح شوند.

جدول ۵- مصادیق أَحَبُّ الصَّدَقَتَيْنِ مرتبط به ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی

معرفت نسبت به خداوند متعال	صدقه پنهانی و شبانه امیرمؤمنان (ع)
پذیرش ولایت رهبران دینی و پیروی از ایشان	صدقه پنهانی و شبانه امیرمؤمنان (ع)

(منبع: نویسنده)

در مصداق صدقه پنهانی و شبانه حضرت امیرمؤمنان (ع) نهایت معرفت نسبت به خداوند وجود دارد، زیرا فارغ از شخصیت ایشان و میزان تقرب ایشان به درگاه الهی، خصلت پنهان بودن صدقه از مردم، نهایت حُسن فاعلی بنده را در انجام یک عمل عبادی نشان می‌دهد. از سوی دیگر، بیان این مصداق از یک امام یا رهبر جامعه می‌تواند ضمن الگو قرار دادن این بزرگواران، زمینه اطاعت مردم را از ایشان فراهم آورد.

در جدول ۶ مصادیق «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ» در ارتباط با ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی مطرح شدند:

جدول ۶- مصادیق أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ مرتبط به ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی

معرفت نسبت به خداوند متعال	سایه خیمه‌ای که در جهاد برای خدا بر پا می‌شود
معاد	راستی مدارا با دشمنان خدا
ایمان	صدقه دادن در راه خدا در حالت سلامتی و تندرستی
تقید عملی به احکام، مناسک و ارزش‌های دینی و رعایت اصول و آداب اخلاقی در زندگی روزمره	صدقه در هنگام سلامتی و نه در هنگام مرگ
	گفتن حق
	صدقه در ماه رمضان

نگه داشتن زبان	خودشناسی
ایثار تنگ‌دست	تلاش پیوسته برای خودسازی براساس نظام معیار
صدقه پنهانی به فقیر	
صدقه آدم کم مال در پنهانی	

(منبع: نویسنده)

بهترین صدقات که به معرفت نسبت به خداوند متعال مرتبط است، کوچک‌ترین کاری است که فرد در راه جهاد برای خداوند انجام می‌دهد. برپاکردن چادر در جهاد حرکتی نظامی نیست، اما از چنان ارجی نزد خداوند برخوردار است که بهترین صدقه شمرده می‌شود. از سوی دیگر، جهاد اصغر یکی از مهم‌ترین واجب‌های کفایی می‌باشد که برعهده مردان قرار داده شده است. راستی مدارا با دشمنان خدا نیز هم در میدان جنگ و هم در خارج از آن معنا دارد و به قواعد بسیاری در جنگ‌ها، مانند سپر قرار ندادن انسان‌ها، آلوده نکردن آب‌ها، عدم کشتار زنان و کودکان و غیره اشاره دارد. صدقه دادن در راه خدا در حالت سلامتی و تندرستی نیز به‌نوعی شکرانه نعمت سلامت است که اغلب افراد از آن غافل هستند و به‌واسطه همین غفلت از خداوند نیز دور هستند.

جدول ۷- مصادیق خیر الصَّدَقَة مرتبط به ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی

پنهان‌ترین صدقه	معرفت نسبت به خداوند متعال
-----------------	----------------------------

(منبع: نویسنده)

در جدول ۸ نیز مصادیقی از صدقه ذکر می‌شوند که ذیل عناوین چهارگانه مذکور قرار ندارند:

جدول ۸- سایر مصادیق مرتبط به ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی

بخشیدن انگشتر امیرمؤمنان (ع) در هنگام رکوع	معرفت نسبت به خداوند متعال
بخشیدن لباس امام سجاده (ع)	
آنچه شخص تنگ‌دست در توان دارد و در نهان به نیازمندی می‌دهد	
هر گامی که به‌سوی نماز برمی‌داری	
رسیدگی و کمک به رفع گرفتاری از بیچارگان، زیرا خدا آن را دوست دارد	
موعظه مؤمن برای اجتماع افراد پراکنده در راه رضای خدا	
سایه خیمه‌ای که در جهاد برای خدا برپا می‌شود	
شکرانه سلامتی	

وقتی مسلمان به خانواده‌اش نفقه بدهد و از خداوند امید پاداش داشت	
گفتن حق	ایمان
هر معرفی	معاد
خواب کسی که قصد بیدارشدن برای نماز شب را داشته؛ اما خواب مانده است	تقید عملی به احکام، مناسک و ارزش‌های دینی و رعایت اصول و آداب اخلاقی در زندگی روزمره
نگه داشتن زبان	خودشناسی
ترک بدی و شر	تلاش پیوسته برای خودسازی
خودداری از بدی	براساس نظام معیار

(منبع: نویسنده)

هشت مصداق نخست از صدقه برای معرفت نسبت به خداوند متعال، ضمن آنکه دارای آثار فردی و اجتماعی هستند، قدر مشترکی دارند که کسب رضایت و خشنودی الهی می‌باشد. در مورد مصداق نهم، امید ثواب مطرح شده که هرچند تا حدی مطلوب است، اما به حد کسب رضایت الهی نمی‌رسد. گفتن حق یک رفتار می‌باشد که ناشی از یک امر درونی؛ یعنی ایمان است. ایمان باوری می‌باشد که پشتوانه بسیاری از اعمال است که شاید بتوان ادعا کرد این مصداق صدقه، اظهر این اعمال می‌باشد.

مفاد روایت، هر معرفی صدقه است که در ابواب مختلف فقهی به آن استناد شده است؛ با روایت «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳: ۴/۲۵۱)، پیوند عمیقی دارد، زیرا یکی از مصادیق صدقه را انجام هر معروف در این دنیا می‌داند که ضمن اداره امور خود و دیگران، حاصل مناسبی برای آخرت است. مصداق دیگر، خواب کسی است که قصد بیدارشدن برای نماز شب را داشته؛ اما خواب مانده که عملی مستحبی است که نهایت تقید یک فرد را نسبت به اعمال دینی نشان می‌دهد که از سوی دیگر، مشمول لطف پروردگار است و خواب وی، صدقه برای او محسوب می‌شود.

مصداق نگه داشتن زبان که از سخت‌ترین اعمال است، ناشی از کف نفس می‌باشد که این کف نفس، از آثار خودشناسی است، زیرا تا انسان نفس خود را نشناسد، نمی‌تواند بر آن لگام زند. پس این مصداق از صدقه، در ارتباط کامل با خودشناسی انسان می‌باشد. البته از آثار خودشناسی،

خداشناسی است که در این موقعیت قرار گرفته است. دو مصداق صدقه؛ یعنی ترک بدی و خودداری از بدی نیز بهترین مسیر خودسازی را نشان می‌دهند، زیرا این دو مصداق شامل ترک بدی‌هایی می‌باشد که فرد مبتلای به آن است و شامل بدی‌هایی می‌باشد که هنوز درگیر آن نشده است. به علاوه، بدی واژه‌ای اعم است که می‌تواند محرمات و مکروهات را دربر بگیرد و سطوحی از تقوا و ورع را در فرد مدنظر قرار دهد.

۲. ساحت تربیتی اجتماعی و سیاسی

«ساحت تربیتی اجتماعی و سیاسی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که مترجمان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. قلمرو ساحت تربیتی اجتماعی و سیاسی شامل موارد زیر است: ارتباط مناسب با دیگران، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی» (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰: ۳۰۲-۳۰۳).

جدول ۹- مصادیق أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ مرتبط به ساحت تربیتی اجتماعی و سیاسی

صدقه به خویشاوند کینه‌ورز	ارتباط مناسب با دیگران
صدقه به اسیری که چشمانش از گرسنگی تیره‌وتار شده	
آنچه تنگ‌دست در توان دارد و می‌بخشد	
کمک تو به ناتوان	
صدقه به خواهرت یا دخترت که این صدقه به خودت برمی‌گردد و جز تو کسی دریافت‌کننده آن نیست	
نوشاندن آب	
خنک کردن جگر تشنه	
صدقه به خویشاوند ندار	
صدقه به هنگام ثروتمندی	
شناختن حقوق برادران، فاضل‌ترین صدقه، زکات، حج و جهاد است	
آنچه مرد ثروتی به اندازه توانایی به فقیر پیرمردی بدهد	
صدقه و کوشش کسی که مال اندکی دارد، مگر نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: «آنها را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خودشان بسیار نیازمندند»	

آغاز صدقه از خانواده خود، زیرا دست‌دهنده والاتر از دست‌گیرنده است و خداوند تو را ملامت نمی‌کند که چرا از حد کفاف خود ایثار و انفاق نکردی (۲ بار)		کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی
شخص مسلمان علمی بیاموزد و سپس آن را به برادر مسلمان خود یاد دهد		
با آن از ریختن خون‌ها جلوگیری کنی	صدقه زبان	
پیشامد ناخوشایند را دفع کنی (۲ بار)		
به برادر مسلمان سودی برسانی (۲ بار)		
میانجیگری کردن تا با آن اسیری را آزاد کنی		
خونی را از به ناحق ریختن حفظ کنی		

(منبع: نویسنده)

افضل صدقه در ارتباط مناسب با دیگران به چند گروه تقسیم می‌گردد: نخست، صدقه مالی به افراد خاصی و ناظر به گیرنده صدقه چون خویشاوند کینه‌ورز، خواهر و دختر، خویشاوند نادر و اسیر است که توسعه در رزق خانواده نیز باید به آن افزوده شود و فقیهان نیز با اصطلاح‌های «انفاق به خانواده» و «توسعه رزق خانواده» به آن اشاره کرده‌اند. برای نمونه، آیت‌الله خامنه‌ای درباره آثار تربیتی صدقه به خویشاوند کینه‌ورز می‌فرماید: «هم از پول خودتان صرف‌نظر می‌کنید که آن را در راه خدا می‌دهید، هم از آن احساسات شخصی و نفسانی خودتان صرف‌نظر می‌کنید که به آن ذی‌رحمی که دشمن شما است کمک کنید و خود این صدقه دادن هم موجب جلب محبت او می‌شود و ارتباطات فامیلی و پیوندهای خانوادگی را مستحکم‌تر می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۵). دوم، برخی مصادیق ناظر به اوصاف صدقه‌دهنده هستند، مانند موارد سوم، نهم، یازدهم و دوازدهم که صفت تنگدستی در مقابل ثروتمندی بیش‌تر مورد اشاره قرار گرفته است. به بیان معظم‌له، «ببینید چقدر مسأله ارتباطات اجتماعی و پُر کردن شکاف فقیر و غنی مهم است. این یکی از این مسائل بسیار مهم [است]؛ یعنی در صدقه دو مسأله مهم وجود دارد: یکی که خیلی مهم است، همین مسأله پُر کردن شکاف بین غنی و فقیر می‌باشد که البته یکی از راه‌هایش صدقه است؛ و یکی هم «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر، ۹)» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۴). سوم، صدقات غیرمالی مانند نوشیدن آب است و چهارم، موارد عامی که انواع صدقات مالی، غیرمالی و معنوی را شامل می‌شود، مانند کمک به دیگران. در نهایت، شناختن حقوق دیگران که به‌عنوان مصداق صدقه

یک اصل اساسی در روابط اجتماعی است که جامعه را به سوی تکامل و تعالی انسانی پیش می‌برد. علاوه بر این، آیت‌الله خامنه‌ای گام را فراتر می‌گذارد و وظیفه طرف مقابل را ستاندن حق یا همان صدقه از ثروتمند معرفی می‌کند و می‌فرماید: «امیرالمؤمنین (ع) از قول پیغمبر (ص) فرمود: «اجْرُ السَّائِلِ فِي حَقِّ لَهٗ كَأَجْرِ الْمُتَصَدِّقِ عَلَيْهِ»؛ این هم از آن امتیازات و اختصاصات تعالیم و معارف اسلامی می‌باشد: اجر کسی که حقی را که متعلق به او است می‌طلبد، به اندازه اجر همان کسی است که این حق را به او می‌دهد. معنای این طلب حق و اینکه می‌گویند حق، گرفتگی است نه دادنی - البته حق، هم گرفتگی است، هم دادنی - این است که کسی که حقی دارد، این حق را باید مطالبه کند و بخواهد و پاداش خواستن این حق از پاداش آن کسی که این حق را به او می‌دهد، کمتر نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۳).

دو مصداق صدقه؛ یعنی علم‌آموزی و آموختن به دیگران و صدقه زبان در حیطه کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی بسیار مهم و کارآمد هستند، زیرا عمده ارتباطات انسانی با زبان است و هر چند ابعاد جدیدی به ارتباطات انسانی افزوده شده، اما همچون ارتباطات کلامی دارای اهمیت هستند و مصداق علم‌آموزی این ابعاد جدید را پوشش می‌دهد.

جدول ۱۰- مصادیق أَفْضَلِ الزَّكَاةِ مرتبط به ساحت تربیتی اجتماعی و سیاسی

ارتباط مناسب با دیگران	شناختن حقوق برادران، فاضل‌ترین صدقه، زکات، حج و جهاد است
------------------------	--

(منبع: نویسنده)

جدول ۱۱- مصادیق خَيْرِ الصَّدَقَةِ مرتبط به ساحت تربیتی اجتماعی و سیاسی

ارتباط مناسب با دیگران	شخص را بی‌نیاز کند
	از روی بی‌نیازی و توانگری باشد

(منبع: نویسنده)

در مصادیق بهترین صدقه نیز به صدقه‌دهنده و صدقه‌گیرنده هم‌زمان توجه شده؛ به گونه‌ای که صدقه‌دهنده توانگر باشد تا بتواند شخص صدقه‌گیرنده را بی‌نیاز کند.

جدول ۱۲- مصادیق أَكْثَرِ الصَّدَقَةِ مرتبط به ساحت تربیتی اجتماعی و سیاسی

ارتباط مناسب با دیگران	کمک تو به شخص ضعیف
------------------------	--------------------

(منبع: نویسنده)

جدول ۱۳- سایر مصادیق مرتبط به ساحت تربیتی اجتماعی و سیاسی

اصلاح میان مردم	مدارا با دشمنان
-----------------	-----------------

نجات‌دهنده از ستم‌ها و ظالم	نشان‌دادن راه به نابلد	ارتباط مناسب با دیگران
محبت به خانواده (بوسیدن همسر و فرزندان)	برداشتن اشیای آسیب‌رسان از سر راه (سنگ، خار و استخوان)	
آب‌های بین راه	عیادت از بیمار	
خدمت به همسرت	جواب سلام	
کمک تو به ناتوان	لبخند زدن به روی برادرت	
امر و فرمان به کارهای خوب	تخلیه آب دلو خود به دلو برادرت	
جاری کردن آب	انجام کار نیک	
افطار بیماران و مسافران در ماه رمضان	سود رساندن به برادر مسلمان با زبان	
راهنمایی به کار خیر	آنچه همسرت از اموال تو می‌خورد	
سکنای خانه‌اش	احسان به توانگر یا تهیدست	
بخشش پدر به فرزند	دادن مهلت به گیرنده قرض	
صدقه به خویشاوند کینه‌ورز	مهلت مجدد بعد از مدت دوباره به قرض‌گیرنده	
پیشگیری از ریختن خون‌ها با زبان نوشاندن آب به انسان لب‌تشنه جگرسوخته	رفتار خوب و صادقانه با کلام و زبان خوش (با محرومان و بندگان خدا)	
دفع پیشامد ناخوشایند با زبان	داشتن مهمان بعد از سپری شدن چهار روز	
فهماندن سخن به ناشنوا	همسرداری خوب	
دفع پیشامد ناگوار با زبان	آمزش برای مردان و زنان	
خوبی کردن به برادرت	دعا برای انسان محتاج	
حفظ از نا به حق ریختن خون	دستگیری از نابینا	
عدم آزار مردم	سلام‌دادن با خوش‌رویی	
میانجیگری با زبان	مهربانی و بوسیدن فرزند	
سخن نیکو و پاکیزه	آب	

تا با زبانت اسیری را آزاد کنی	صدقه به اسیری که چشمانش از گرسنگی تیره‌وتار شده	
نهی از منکر	امر به معروف	تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی
	جزیه	
نهی از منکر	امر به معروف	کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی

(منبع: نویسنده)

ارتباط با دیگران را می‌توان با توجه به طرف دیگر ارتباط به چند گروه تقسیم کرد. ایشان در تشریح مراتب پیوندهای اجتماعی در ارتباط با صدقه می‌فرماید: «و صَلَّةُ الْإِخْوَانِ بِعَشْرِينَ؛ اگر چنانچه همین پول را شما بدهید به دوستان تان یا برادران تان، می‌شود بیست برابر؛ چون هم کمک به يك کسی است که محتاج به این کمک است، هم استحکام پیوندهای دوستی است. ببینید چقدر در اسلام به استحکام پیوند دوستی و رابطه مودت و محبت بین مؤمنین توجه می‌شود! وَ صَلَّةُ الرَّحِمِ بِأَرْبَعٍ وَ عَشْرِينَ اگر همین پول را به رحم خودتان، خویشاوند خودتان بدهید، ۲۴ برابر حساب می‌گردد؛ از همه بالاتر. این برای این است که این پیوندها از جاهای نزدیک شروع می‌شود... این پیوند خانوادگی می‌باشد، مال درون خانواده است، باید خیلی مستحکم باشد؛ بعد می‌رسد نوبت به خویشاوندان، باید مستحکم باشد؛ می‌رسد نوبت به دوستان، باید مستحکم باشد؛ [بعد] می‌رسد نسبت به عامه مردم؛ یعنی پیوندهای اجتماعی مراتبی دارد که از جاهای دوردست شروع می‌شود و همه آنها هم مورد توجه و التفات شارع است؛ هرچه به داخل این سلول‌های اجتماعی نزدیک‌تر و محدودتر نزدیک می‌شود، این پیوندها باید مستحکم‌تر باشد. اساس، خانواده است. کسی که خانواده خودش را نمی‌تواند محفوظ کند، روابط بین پدر و پسر و دختر و زن و شوهر و مانند این‌ها وقتی سست باشد، دیگر خویشاوندی معنا ندارد.... این ایمان مذهبی اینجا شد پشتوانه يك امر عاطفی. شما به پدر خودتان، به مادر خودتان، به فرزند خودتان نگاه محبت‌آمیز که می‌کنید، خدا می‌گوید من ثواب می‌دهم به این؛ یعنی برای این پیوندهای داخل خانواده يك عقبه و پشتوانه ایمانی و ثواب اخروی قرار می‌دهد؛ همه چیز جوشیده از درون انسان، از عواطف انسان، از دل انسان، از ایمان انسان؛ این

می‌شود طبیعی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۶۱). براساس مراتب مدنظر ایشان، گروه نخست، خانواده است که مصادیق صدقه از این نوع شامل محبت به خانواده، همسررداری خوب، آنچه همسرت از اموال تو می‌خورد، مهربانی و بوسیدن فرزند و خدمت به همسرت می‌باشد. گروه دوم، گروه‌های کوچکی است که انسان در آن‌ها عضو می‌باشد که مصادیق صدقه در ارتباط با آن‌ها، شامل دادن مهلت به گیرنده قرض، مهلت مجدد بعد از مدت دوباره به قرض‌گیرنده، سلام‌دادن با خوش‌رویی، خوبی کردن به برادرت، داشتن مهمان بعد از سپری‌شدن ۴ روز، تخلیه آب دلو خود به دلو برادرت و جواب سلام است. به نظر می‌رسد دادن مهلت به قرض‌گیرنده خود نشان از برتری قرض بر صدقه می‌باشد و شاید از این جهت، دادن مهلت نیز از مصادیق صدقه شمرده شده است، زیرا به فرموده آیت‌الله خامنه‌ای، «این به این [دلیل] است که آن طرف مقابل وقتی صدقه گرفت، خیالش آسوده است که خب يك پولی گیرش آمد و خدا برکت بدهد، منتظر می‌ماند تا پول بعدی گیرش بیاید؛ [اما] وقتی قرض گرفت، چون باید ادا کند، در صدق ادا برمی‌آید؛ تلاش می‌نماید، زحمت می‌کشد، کار می‌کند. این برای تشویق به کار و تلاش است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۶۰). در مرحله نهایی، ارتباط با جامعه بزرگ‌تر است که انسان این مصادیق صدقه را لزوماً در ارتباط با شخصی که می‌شناسد، انجام نمی‌دهد، مانند نشان دادن راه به نابلد، دستگیری از نابینا، برداشتن اشیای آسیب‌رسان از سر راه، نوشاندن آب به انسان لب‌تشنه جگرسوخته، اصلاح میان مردم، جاری کردن آب، سخن نیکو و غیره. اما گاهی انسان این مصادیق را در مقام یک انسان عادی انجام می‌دهد و گاهی نیز سخن نیکو به عنوان مصداق صدقه از دیدگاه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای به صورت تخصصی درباره دولتمردان نسبت به مردم معنا می‌یابد: «این تکه دیگر برای من و شما - بخصوص بعضی از آقایان که مسئول هستید و با مردم سروکار دارید - خوب است: **فَإِنْ لَمْ يَجِدْ أَحَدًاكُمْ، فَبِكَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ؛** اگر همین را هم ندارید، يك حرف خوب، يك کلمه خوب، يك روی خوش، يك دعا» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۴).

تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی که از دیگر ابعاد تربیت اجتماعی و سیاسی هستند، با دو مصداق امر به معروف و نهی از منکر ارتباط وثیقی دارند، به حدی که در اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز امر به معروف و نهی از منکر از وظایف همگانی و متقابل مردم و حکومت اسلامی برشمرده شده است. علاوه بر این، آیت‌الله خامنه‌ای براساس دیدگاه تمدنی خویش با تبیین نظرات درباره ثواب صدقه به کارکرد دیگر آن؛ یعنی کمک به حکومت اسلامی نیز اشاره می‌کنند: «این پولی که برای کارهای خیر می‌دهید - برحسب کیفیت دادن، موقعیت دادن، آن کسی که به او داده می‌شود و خرجی که می‌شود، چندبرابر پاداش خواهد داشت؛ از دوبرابر تا الی ماشاءالله. بعضی گفته‌اند تا هفتاد برابر، بعضی

گفته‌اند تا هزار برابر و بعضی گفته‌اند اصلاً ثواب صدقه تمام نمی‌شود؛ به نظر مرحوم شیخ طبرسی در مجمع‌البیان می‌فرماید که ثواب صدقه دائمی است و هیچ‌وقت تمام نمی‌شود؛ چرا؟ چون آثار و برکات آن خیر دائمی است؛ البته لابد این در آن خیراتی است که آثارش دائمی است. وقتی شما پول دادید و انفاق کردید، مثلاً در جنگ کمک کردید و با کمک شما جنگ پیروز شد، اسلام بر کفر غالب شد و نصرت به دست آمد، برکات این را تا چه زمانی می‌شود محدود کرد؟ تاریخی است دیگر؛ اینکه تمام‌شدنی نیست. آن کسی که پولی صرف می‌کند و یک بیمارستانی، یک مدرسه‌ای، یک پلی یا یک راهی ساخته می‌شود و عده‌ای از مستمندان به نوایی می‌رسند، کمکی به دولت اسلامی می‌گردد» (خامنه‌ای (ب)، ۱۴۰۱: ۱۹۵).

۳. ساحت تربیت زیستی و بدنی

«ساحت تربیت زیستی و بدنی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متریان در قبال خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط‌زیست و احترام به طبیعت می‌باشد. قلمرو این ساحت (پرورش قوای بدنی و تأمین سلامت جسمی) موارد زیر را پوشش می‌دهد: تربیت جنسی، سلامت فردی و اجتماعی (تأمین نیازهای اساسی، حفظ شادابی در زندگی، برخورداری از رفاه و سلامت، استفاده از تفریحات سالم و اوقات فراغت، مراقبت از جسم و روح و پاکیزگی و آراستگی فردی)، بهداشت زیست‌محیطی، قلمروهای زیست‌بوم شهری (احساس مسئولیت در قبال حفظ زیست‌بوم شهری، آگاهی از الگوهای صحیح تولید و مصرف و یادگیری عادت‌ها و گرایش‌ها در حفظ پاکیزگی و سلامت محیط شهری) و منابع طبیعی (شناخت طبیعت و احترام قائل شدن برای آن)» (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰: ۳۰۵).

جدول ۱۴- سایر مصادیق مرتبط به ساحت تربیت زیستی و بدنی

خواب	سلامت فردی و اجتماعی
خنک کردن جگر تفتیده حیوان	شناخت طبیعت و احترام قائل شدن برای آن
انفاق به اسب	

(منبع: نویسنده)

هرچند ابعاد ساحت تربیت زیستی و بدنی گسترده است، اما مصادیق صدقه دو حیطه مذکور را پوشش داده‌اند. اشاره به خواب به‌عنوان یکی از مصادیق صدقه، نشان می‌دهد که اسلام به موضوع سلامت جسمی و روحی انسان حساس است تا حدی که خواب را مصداق صدقه می‌داند. به‌علاوه، اختصاص زمان مناسب به خواب و توجه به آن، بقیه اوقات روز را به‌صورت خودکار برای انسان

تنظیم می‌کند. مصداق انفاق به اسب یا آب دادن به حیوان تشنه یکی از حداقل فعالیت‌ها در حوزه محیط‌زیست است که اشاره به آن، می‌تواند موارد دیگر را نیز دربر بگیرد.

۴. ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری

«ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی متربیان می‌باشد» (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰: ۳۰۷). مصادیق صدقه برای این ساحت آموزه‌ای ندارند و می‌توان از سایر حوزه‌های مسائل دینی، آموزه‌هایی را برای آن به‌دست آورد.

۵. ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

«این ساحت ناظر به رشد توانایی‌های متربیان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای است و شامل اموری مانند درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب‌وکار و احکام معاملات و التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی است» (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰: ۳۰۹).

جدول ۱۵- سایر مصادیق مرتبط به ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

هرکس به بازار برود و چیزی بخرد و برای خانواده‌اش ببرد	درک و فهم مسائل اقتصادی
عقیقه	
هر مالی که انسان آبروی خود را بدان وسیله حفظ کند	درک و مهارت حرفه‌ای
طلب روزی حلال	التزام به اخلاق حرفه‌ای
درخت‌کاری	
باغ‌داری	توان کارآفرینی
حفظ آبروی انسان به وسیله هر کاری	پرهیز از بطالت و بیکاری
تحصیل روزی حلال	رعایت بهره‌وری
لیسیدن کاسه	
حفظ آبروی انسان به وسیله مال	تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت
هر احسان به توانگر یا تهیدست	اهتمام به بسط عدالت اقتصادی
عطاکردن هر آنچه در توان دارد	

مخارجی که پرورش دهنده کودک سرراهی پرداخته است	
تنها دیناری را که برای خرید طعام قرض کرده بود به او هدیه نمود	
بخشیدن از اموالت	
از دسترنجش، هم خودش استفاده کند و هم صدقه دهد	مراعات قوانین کسب‌وکار و احکام معاملات
راهنمایی به کار خیر که مانند کسی است که آن را انجام می‌دهد	التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی

(منبع: نویسنده)

در مورد درك و فهم مسائل اقتصادی، باید اذعان کرد که عمده مباحث فقهی درباره مصادیق صدقه معطوف به صدقات مالی است و مباحث بسیاری درباره ماهیت صدقه، تفاوت آن با سایر عقود مثل وقف، هبه و دیگر عقود، حکم رجوع در آن و موارد مشابه مطرح شده است که به‌خوبی لزوم اشراف بر مسائل اقتصادی و وجود دو مصداق انفاق خانواده و عقیقه روایات، ابعاد دیگری را از این موضوع نشان می‌دهند. به‌هرصورت، پرداخت صدقه واجب یا مستحب نیازمند به کسب درآمد مناسب است که اسلام با قراردادن تکلیف زکات واجب و مستحب، ضمن هدایت دینی فرد، مسیر اقتصادی زندگی او را نیز مشخص می‌کند.

ارتباط ظریف دو بُعد «درک و مهارت حرفه‌ای» و «تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت» و هر مالی که انسان آبروی خود را بدان وسیله حفظ کند، نشان می‌دهد که انسان برای توسعه حرفه خود باید متحمل مخارجی شود که شاید ضروری به‌نظر نرسند، مانند هزینه‌کرد برای مشاوره‌های خاص حقوقی یا بازاریابی یا هزینه برای طراحی فضای داخلی محل کار یا آموزش‌های رسمی یا غیررسمی خود و کارکنان. طلب روزی حلال، پیشانی التزام به اخلاق حرفه‌ای است، زیرا انسان اگر به این موضوع توجه داشته باشد، بسیاری از امور خلاف اخلاق حرفه‌ای را به انجام نمی‌رساند.

دو مصداق صدقه؛ یعنی درخت‌کاری و باغ‌داری، نمونه بارز توان کارآفرینی است، زیرا در فقه مالکیت ابتدایی از دو طریق حیازت مباحات و کار به‌دست می‌آید که این دو مصداق صدقه به‌نوعی به هر دو اشاره دارند، زیرا انسان با درخت‌کاری می‌تواند زمینی را حیازت کند و با توسعه آن برای خود و دیگران، کارآفرینی کند و با باغ‌داری که در زمره عقود فقهی است، از دسترنج خود بهره‌شود. بُعد پرهیز از بطالت و بیکاری از تربیت اقتصادی با مصداق حفظ آبروی انسان به‌وسیله هر کاری ارتباط وثیقی دارد، زیرا قید «به‌وسیله هر کاری»، بر این امر دلالت دارد که انسان برای حفظ آبروی

خود باید مشغول به شغلی باشد و این شغل نیز در شأن وی باشد. به‌علاوه، بیکاری و بطالت نیز از عواملی است که آبروی انسان را خدشه‌دار می‌کند.

شاید بُعد رعایت بهره‌وری، از مباحث پیچیده اقتصادی به‌حساب آید؛ اما ساده‌ترین وجه آن در مصداق تحصیل روزی حلال، خلاصه می‌شود، زیرا تحصیل روزی حلال نه تنها به کیفیت کسب روزی اشاره دارد، بلکه بهره‌وری را از منظری اسلامی عرضه می‌کند. بهره‌وری همیشه به معنای کسب سود بیش‌تر نیست، بلکه چه بسا برکت ناشی از کسب حلال نهایت بهره‌وری باشد که در ساحت‌های مختلف زندگی انسان، خود را نشان می‌دهد. اشاره به مصداقی چون لیسیدن کاسه غذا، به‌عنوان یک مثال حداکثری نشان می‌دهد که قناعت در بهره‌وری اقتصادی، نقش بارزی دارد.

اهتمام به بسط عدالت اقتصادی در مصادیق صدقه، دامنه گسترده‌ای از عطاکردن هر انسان توانگر یا تهیدست به هر انسان توانگر یا تهیدستی دارد که بارزترین نمونه آن، بزرگ کردن لقیط یا کودک بی‌سرپرست است که هزینه و مخارجی که پرورش‌دهنده کودک سرراهی پرداخته است (در صورت عدم توانایی پرداخت لقیط به پرورش‌دهنده خود)، براساس روایات و منابع فقهی صدقه خواهد بود. البته بخشیدن از اموال در روایات، دارای مصادیقی مانند بخشیدن لباس (عبا و لباس عروسی)، پول، زیورآلات (گردنبند و انگشتر)، خوراک (شاخه خرما، غذا، هسته خرما، شکر، شکر و بادام، یک مشت خرما، قوت روزانه، یک‌دانه خرما، لقمه نان، نصف خرما، یک صاع و ۳ کیلو خرما) است. در مراعات قوانین کسب‌وکار و احکام معاملات، به مصداق «استفاده از دسترنج فرد و صدقه دادن از آن» اشاره شد، زیرا اگر فرد به احکام معاملات وارد باشد، به‌خوبی می‌داند که در کنار عقودی چون بیع، اجاره و غیر آن، ابوابی چون زکات و مباحثی چون صدقه وجود دارند. گواه این موضوع آن است که افرادی که در گذشته وارد حوزه کسب‌وکار در بازار می‌شدند، وارد به باب متاجر یا مکاسب محرمه بوده‌اند و از واجبات و مستحبات کسب‌وکار اطلاع داشتند.

در التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی، مصداق «راهنمایی به کار خیر» مدنظر قرار گرفت، زیرا اخلاق و ارزش‌های اقتصادی غالباً در قالب مستحبات بیان می‌شوند و عنوان «راهنمایی به‌خوبی»، مصداق حداکثری این مستحبات است، زیرا طبق احادیث، راهنمایی‌کننده به امر خیر مانند کسی است که آن را انجام می‌دهد. به‌علاوه، کسی که به امری، راهنمایی می‌کند، طبق آموزه‌های دینی باید پیش از آن، خود نیز آن را انجام داده باشد: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّتِّكُمْ، لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْحَيْرَ، فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ حَدِيثٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۸/۲). بر این اساس، بهترین راهنمایی، دیدن انجام آن عمل خیر از فرد است و این همان صدقه در راه خداست.

۶. ساحت تربیت علمی و فناوری

«این ساحت از تربیت ناظر به رشد توانمندی افراد جامعه در راستای فهم و درک دانش‌های پایه و عمومی، کسب مهارت دانش‌افزایی، به‌کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی، توان تفکر انتقادی، آمادگی جهت بروز خلاقیت و نوآوری و نیز ناظر به کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی است» (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰: ۳۱۱).

جدول ۱۶- سایر مصادیق مرتبط به ساحت تربیت علمی و فناوری

فهم و درک دانش‌های پایه و عمومی	نشر و آموختن دانش
کسب مهارت دانش‌افزایی	ارشاد با علم
	راهنمایی افراد با نظر دادن
	از جهل رهانیدن آدمی توسط عالم
	شخص مسلمان علمی بیاموزد و سپس آن را به برادر مسلمان خود یاد دهد
به‌کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی	نشر و آموختن دانش
ناظر به کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی	فراگیری و آموختن علم به اهلش یا به کسی که نمی‌داند

(منبع: نویسنده)

ساحت تربیت علمی و فناوری ابعاد مختلفی دارد. نخستین بُعد آن، فهم و درک دانش‌های پایه و عمومی است که مرتبط‌ترین مصداق صدقه به معنای اعم آن، نشر و آموختن دانش است، زیرا با استناد به این حدیث «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ» (ابن ابی‌الحدید، بی تا: ۲۰/ ۳۱۹)، دلیل این موضوع روشن می‌شود. آموختن دانش و نشر آن که از آن تعبیر به زکات علم نیز می‌شود، از بُعد دیگر با احسان و نیکوکاری ارتباط می‌یابد: «زَيْنَةُ الْعِلْمِ الْإِحْسَانُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۱/ ۴۱۷). علاوه بر این، طبق روایتی از پیامبر (ص) «خَيْرُ الْعِلْمِ مَا نَفَع» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۶: ۴۸۸)، ملاک دانش، سودمندی آن است، پس آموختن و آموزش دانش‌های پایه و عمومی برای افراد ضروری می‌باشد.

کسب مهارت دانش‌افزایی، دارای دو سوی آموختن و آموزش است و از مصادیق صدقه، هر چهار مورد آموزش را دربر می‌گیرد و مورد آخر شامل آموختن نیز می‌شود. ابعاد به‌کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی و ناظر به کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی نیز با مصداق

«نشر و آموختن دانش» و «فراگیری و آموختن علم به اهلس یا به کسی که نمی‌داند» ارتباط محکمی دارد، زیرا امام علی (ع) می‌فرماید: «اعقلوا الخبر إذا سمعتموه عقل رعايه لا عقل رواية؛ فإن رُواة العلم كثير ورعائه قليل» (نهج البلاغه، حکمت ۹۸). هرچند این روایت بیش‌تر ناظر به علوم دینی و دین است، اما از آن یک اصل کلی می‌توان به‌دست آورد که به‌طورکلی علوم باید کاربردی باشند و از حد نقل و بحث گذشته باشند و به مرحله عمل؛ یعنی تولید و مصرف نزدیک شوند.

نتیجه‌گیری

هرچند برخی فقیهان در پی احصای مصادیق صدقه و زکات بوده و تعداد مصادیق زکات را ۱۶ و مصادیق صدقه را ۲۸ مورد اعلام کرده‌اند؛ اما بحث درباره صدقه در میان سایر فقیهان به‌صورت پراکنده ابواب مختلف ادامه یافته و در نتیجه، تعداد مصادیق صدقه مستحب بیش از این است. هرچند مصادیق صدقه و زکات در روایات به امور غیرمالی هم تسری یافته‌اند؛ اما مصادیق صدقه و زکات در فقه سنتی همگی مالی هستند. با این حال، از میان فقیهان معاصر، آیت‌الله خامنه‌ای با نگاه تمدنی، به مصادیقی از صدقه اشاره می‌کنند که ارتباط وثیقی با ایجاد و حفظ حکومت اسلامی دارند، مانند سرمایه‌گذاری مردم در بخش‌های تولیدی برای کمک به حکومت اسلامی؛ بیان و نشر خاطرات دفاع مقدس و فعالیت فرهنگی راهیان نور؛ هر دعوایی برای قضات که به یک حکم عادلانه قضایی منتهی شود و فرهنگ‌سازی و انعکاس و پایداری یک فکر درست، به‌صورت واضح در ذهن مردم.

در بررسی مصادیق صدقه می‌توان مواردی را مشاهده کرد که با عناوینی چون «أَحَبُّ الصَّدَقَاتِينَ»، «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ»، «خَيْرُ الصَّدَقَةِ» و «أَعْظَمُ الصَّدَقَةِ» در روایات آمده‌اند و در مقابل، برخی مصادیق نیز خالی از این عناوین هستند. این چهار عنوان در دو ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی جای گرفته و در تنظیم روابط با خداوند و سپس انسان‌های دیگر و حکومت اسلامی مؤثر هستند. از این‌رو، بررسی مصادیق صدقه و زکات در روایات در ارتباط با ساحت‌های تربیت با نگاه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای با حکومت اسلامی پیوند جدی می‌یابد؛ این درحالی است که در سیر فقه سنتی این دیدگاه‌چندان مورد توجه نبوده است. ایشان حتی در تعریف خود از صدقه و زکات، آن‌ها را از درآمدهای حکومت اسلامی دانسته و ضرورت آن را حتی در حکومت حق ثابت می‌دانند. علاوه بر این، اشاره ایشان به تعهد هر فرد مسلمان به جامعه اسلامی در موضوع پرداخت صدقه به خوبی مؤید دیدگاه تمدن‌ساز اسلام می‌باشد.

براساس بررسی صورت‌گرفته، ساحت زیبایی‌شناختی و هنری ارتباطی با مصادیق صدقه ندارد و ساحت زیستی و بدنی صرفاً با سه مصداق صدقه ارتباط دارد. ساحت اقتصادی و حرفه‌ای پس از ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی بیش‌ترین ارتباط را با مصادیق صدقه برقرار کرده است و ساحت

علمی و فناوری نیز به جهت ارتباط نیکی و احسان با علم، با برخی مصادیق صدقه مرتبط می‌باشد. به هر صورت، انجام هر یک از این مصادیق، فرد را در وادی تربیتی خاصی وارد می‌کند و می‌تواند تربیت را در ابعاد متفاوتی برای فرد محقق نماید.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مروارید، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۹۸-۲۰۴؛ حلی، ۱۳۸۶، ص ۴۸-۴۹.
۲. بحرالعلوم ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۲۸-۳۲۹؛ اراکی، ۱۳۷۱، ص ۴۷۷-۴۸۰؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۹۳؛ روحانی (الف)، ۱۴۱۸، ص ۴۴۶-۴۴۸؛ روحانی (ج)، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۶۱؛ حسینی سیستانی، بی‌تا، ص ۵۵۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ص ۳۱۲.
۳. طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۴۰۹؛ زین‌الدین، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۱۷۲؛ وحیدخراسانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۹۰.
۴. زین‌الدین، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۱۷۲.
۵. مروارید، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۶؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۱۴؛ حلی، ۱۳۸۶، ص ۴۸-۴۹.
۶. طباطبایی حکیم، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۳۸۶.
۷. بحرالعلوم، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۶۴؛ حانری، ۱۴۱۸، ص ۳۲۶؛ مروارید، ۱۴۱۰، ج ۲۹، ص ۳۸۶؛ روحانی، سیدمحمدصادق، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۶۷؛ اراکی، ۱۳۷۱، ص ۵۴۹؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۵، ص ۵۴۰؛ نوری همدانی، ۱۳۷۳، ص ۴۱۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ص ۳۱۲؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص ۳۸۷.
۸. طباطبایی یزدی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۶؛ حانری، ۱۴۱۸، ص ۳۲۶.
۹. نجفی، ۱۳۷۳، ص ۴۲۴؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۴۰۸.
۱۰. طباطبایی یزدی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.
۱۱. طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۴۰۸؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ص ۴۰۹.
۱۲. روحانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۳۰-۱۳۱.
۱۳. طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۴۰۸.
۱۴. طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۴۰۸.
۱۵. نجفی، ۱۳۷۳، ص ۴۲۴.
۱۶. طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۴۰۹؛ زین‌الدین، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۱۷۲؛ روحانی (ج)، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۸۸.
۱۷. زین‌الدین، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۱۷۲؛ روحانی (ج)، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۸۸.
۱۸. طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۴۰۹؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۸؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۶۵؛ روحانی (ج)، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۸۸؛ زین‌الدین، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۲۶؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۵، ص ۴۰۵؛ فاضل‌لنکرانی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۹؛ وحیدخراسانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۹۰؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۰۸؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۴۰۸.
۱۹. خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۸-۳۹؛ مروارید، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۰۹.
۲۰. طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۵۸؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۳۵۲.
۲۱. خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۵۰؛ روحانی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۳۶۵.
۲۲. موسوی خویی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۲۹۵؛ فیاض (ب)، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۵۶۶؛ زین‌الدین، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۴۰؛ طباطبایی یزدی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۶؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۹؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ص ۴۰۹.
۲۳. مروارید، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۵۲؛ طباطبایی یزدی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۸.
۲۴. روحانی (ب)، ۱۴۱۸، ص ۱۴۹.
۲۵. موسوی خویی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۳۹۰؛ موسوی گلپایگانی (الف)، بی‌تا، ص ۶۱، ۱۲۴ و ۱۲۹؛ موسوی گلپایگانی (ب)، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۸۸، ۲۷۲، ۲۹۶ و ۳۰۲؛ مروارید، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۷۹، ۱۸۲، ۲۶۸؛ مرکز المعجم الفقهی، ۱۴۱۳، ص ۳۵۰ و ۳۷۴.
۲۶. موسوی خویی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۴۲۱.

۲۷. فیاض(الف)، بی تا، ص ۱۶؛ اراکی، ۱۳۷۱، ص ۳۲۵-۳۲۶؛ روحانی(الف)، ۱۴۱۸، ص ۳۰۵؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۵، ص ۳۷۳-۳۷۵؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۲، ص ۳۵۰
۲۸. مرکز المعجم الفقهی، ۱۴۱۳، ص ۳۰۰؛ زین الدین، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۴۸۰
۲۹. موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ص ۲۵۷
۳۰. موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ص ۴۰۹
۳۱. حسینی خامنه‌ای، بی تا، ج ۳۹، ص ۱۴
۳۲. آملی، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۷؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۱۲۸؛ موسوی خویی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۳؛ مروارید، ۱۴۱۰، ج ۱۲، ص ۵۲؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۳۹
۳۳. موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۱۲۸
۳۴. روحانی، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۳۰۶
۳۵. حسینی خامنه‌ای، بی تا، ج ۴۰، ص ۱۹
۳۶. خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۲؛ مروارید، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۴-۱۵
۳۷. حسینی خامنه‌ای، بی تا، ج ۴۱، ص ۶۲
۳۸. کلانتری، ۱۴۱۶، ص ۱۵۸؛ مروارید، ۱۴۱۰، ج ۲۱، ص ۸۹
۳۹. مروارید، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۹۶؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۷، ص ۳۸۱
۴۰. مروارید، ۱۴۱۰، ج ۲۶، ص ۴۸۴
۴۱. مروارید، ۱۴۱۰، ج ۲۹، ص ۳۷۵
۴۲. مروارید، ۱۴۱۰، ج ۲۹، ص ۳۹۶
۴۳. طباطبایی یزدی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۵؛ مروارید، ۱۴۱۰، ج ۳۴، ص ۳۳۱
۴۴. قمی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۴۸
۴۵. موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۱۲-۱۱۳
۴۶. موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۴۰
۴۷. روحانی(الف)، ۱۴۱۸، ص ۲۹۳؛ اراکی، ۱۳۷۱، ص ۴۱۸؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص ۵۱۴-۵۱۵
۴۸. بهجت، بی تا، ص ۴۳۲
۴۹. فاضل لنگرانی، ۱۳۷۴، ص ۸۱
۵۰. حسینی خامنه‌ای، بی تا، ج ۳۰، ص ۱۵

منابع

۱. آرام، محمدرضا و عزیزی، سیدمجتبی (۱۴۰۰). اصول مواجهه با انواع متکدیان، براساس آموزه‌های قرآن و احادیث. مطالعات قرآن و حدیث، ۱۴ (۲ (پیاپی ۲۸))، ۱-۳۲.
۲. آملی، محمدتقی (بی‌تا). مکاسب و البیع تقریر بحث نانینی. قم: اسلامی.
۳. ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۳). عوالی اللالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. قم: مؤسسه سیدالشهداء علیه‌السلام. الطبعة الأولى.
۴. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (بی‌تا). شرح نهج‌البلاغه. قم: مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی.
۵. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی للصدوق. تهران: کتابچی.
۶. اراکی، محمدعلی (۱۳۷۱). توضیح المسائل. قم: اسلامی. چاپ اول.
۷. بحرالعلوم، سید محمد (۱۴۰۳). بلغه الفقیه. تهران: مکتبه الصادق علیه‌السلام. الطبعة الرابعة.
۸. بهجت، محمدتقی (بی‌تا). توضیح المسائل. قم: شفق، الطبعة الثانية.
۹. حائری، مرتضی (۱۴۱۸). الخمس. قم: اسلامی. الطبعة الأولى.
۱۰. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰). أجوبة الإستفتائات. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۱. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (بی‌تا). بیانات. بی‌جا. بی‌نا.
۱۲. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۲). رساله آموزشی. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۳. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). نسیم سحر. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۱۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (الف) (۱۴۰۱). تفسیر سوره براءت. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۵. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (ب) (۱۴۰۱). تفسیر سوره تغابن. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۶. حسینی سیستانی، سیدعلی (بی‌تا). استفتائات. بی‌جا. بی‌نا.
۱۷. حسینی سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۵). توضیح المسائل. قم: مهر. الطبعة الرابعة.
۱۸. حسینی سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۷). الفتاوی المیسره. بی‌جا: بی‌نا. الطبعة الثالثة.
۱۹. حلی، یحیی بن سعید (۱۳۸۶). نزهة الناظر فی الجمع بین الأشباه و النظائر. نجف: مطبعة الآداب. الطبعة الأولى.
۲۰. خوانساری، سیداحمد (۱۴۰۵). جامع المدارک فی شرح المختصر النافع. تهران: صدوق. الطبعة الثانية.
۲۱. روحانی، سیدمحمد (۱۴۲۰). المرتقی الی الفقه الارقی. تهران: دارالجلی. الطبعة الأولى.
۲۲. روحانی، سیدمحمد (۱۴۱۷). المسائل المنتخبة. بیروت: مکتبه الایمان. الطبعة الأولى.
۲۳. روحانی، سیدمحمد (الف) (۱۴۱۸). توضیح المسائل. بی‌جا: بی‌نا.
۲۴. روحانی، سیدمحمد (ب) (۱۴۱۸). مناسک حج. بیروت: المنار. الطبعة الأولى.
۲۵. روحانی، سیدمحمد (ج) (۱۴۱۸). منهاج الصالحین. کویت: مکتبه الألفین. الطبعة الأولى.
۲۶. روحانی، سیدمحمدصادق (۱۴۱۴). فقه الصادق علیه‌السلام. قم: دارالکتاب. الطبعة الثانية.
۲۷. روحانی، سیدمحمدصادق (۱۴۱۸). منهاج الفقاهه، التعليق علی مکاسب. بی‌جا: العلمیه. الطبعة الرابعة.
۲۸. روحانی، سیدمحمدصادق (۱۴۱۲). العروه الوثقی. بی‌جا: العلمیه. الطبعة الأولى.
۲۹. زین‌الدین، محمدامین (۱۴۱۳). کلمه التقوی. قم: اسماعیلیان. الطبعة الثالثة.
۳۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۲۰). هدايه العباد. قم: سپهر. الطبعة الأولى.

۳۱. طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۰۴). مستمسک العروه. نجف: مطبعه الآداب.
۳۲. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۷۶ش). سؤال و جواب. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۳. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (بی تا). غایه القصوی. عباس قمی. تهران: انتشارات المکتبه المرتضویه.
۳۴. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۴). توضیح المسائل. قم: مهر. الطبعة السابعة.
۳۵. فیاض، محمد اسحاق (الف) (بی تا). احکام البنوك و الاسهم و السندات و الاسواق المالیه. قم: امیر. الطبعة الاولى.
۳۶. فیاض، محمد اسحاق (ب) (بی تا). تعالیق مبسوطه علی العروه الوثقی. قم: امیر. الطبعة الاولى.
۳۷. قمی، ابوالقاسم (۱۳۷۱). جامع الشتات. تهران: مؤسسه کیهان. چاپ نخست.
۳۸. کلانتری، علی (۱۴۱۶). الجزیه و أحكامها فی الفقه الإسلامی. قم: اسلامی. الطبعة الاولى.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه. الطبعة الرابعه.
۴۰. کهندل، جواد و دیگران. (۱۳۹۴). ارتباط تعلیم و تربیت اسلامی با ساحت زیستی و بدنی سند تحول بنیادین مبتنی بر فرمایشات مقام معظم رهبری. همایش ملی علوم ورزشی نوین، ورزش حرفه‌ای و ارتقا تندرستی.
۴۱. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
۴۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بی جا: مؤسسه الوفاء.
۴۳. محمدپور، احمد (۱۳۹۷). ضدروش زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی. تهران: لوگوس.
۴۴. محمدپور، حسن و دیگران. (۱۴۰۱). تحلیل مبانی فقهی ساحت‌های شش‌گانه تربیتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مجله پژوهش‌های اخلاقی، ۱۳(۱)، ۱۸۹-۲۰۶.
۴۵. مشایخی راد، شهاب‌الدین (۱۳۹۰). اندیشه‌های تربیتی استاد شهید مرتضی مطهری. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما. چاپ اول.
۴۶. مرکز المعجم الفقهی (۱۴۱۳). حیاة ابن ابی عقیل عمانی. قم: شرف. الطبعة الاولى.
۴۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). یادداشت‌های استاد مطهری. تهران: صدرا. چاپ اول.
۴۸. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱). البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). الطبعة الاولى.
۴۹. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۰ش). مناسک حج. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). الطبعة الخامسة.
۵۰. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶ق). مبانی تکملة المنهاج الصالحین. قم: العلمیه. الطبعة الثانية.
۵۱. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). مصباح الفقاهه فی المعاملات. محمدعلی توحیدی. قم: داورى.
۵۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۴). کتاب الحج. قم: العلمیه. الطبعة الثانية.
۵۳. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۷). هدایه العباد. قم: دار القرآن الکریم. الطبعة الاولى.
۵۴. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۴). مجمع المسائل. قم: دار القرآن الکریم. الطبعة الاولى.
۵۵. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۳). احکام و آداب حج. قم: دار القرآن الکریم. الطبعة الاولى.
۵۶. موسوی گلپایگانی (الف)، سید محمدرضا (بی تا). الاحصار و الصد. بی جا: بی نا.
۵۷. موسوی گلپایگانی (ب)، سید محمدرضا (بی تا). تقریرات حج. بی جا: بی نا.
۵۸. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۳). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. تهران: دارالکتب الإسلامیه. الطبعة الثانية.
۵۹. نجفی، محمدحسن (۱۳۷۳). مجمع الرسائل. مشهد: مؤسسه حضرت صاحب‌الزمانعجل‌الله تعالی فرجه الشریف. الطبعة الاولى.

تحلیل مصادیق صدقه در روایات و فقه بر مبنای ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین ... (معینی فر) ۳۷

۶۰. نوری‌همدانی، حسین (۱۳۷۳). توضیح‌المسائل. قم: اسلامی، الطبعة الرابعة.

۶۱. نوید ادهم، مهدی (۱۳۹۱). الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش. راهبرد فرهنگ. ۵ (۱۸-۱۷)، ۲۹۵-۳۲۳.

۶۲. هدایتی، فریفته و ناجی، مهد. (۱۳۹۸). الگوی نظام مند تحول بنیادین در آموزش و پرورش از منظر مقام معظم رهبری. پویا در آموزش علوم انسانی، ۴ (۱۶)، ۲۱-۱۲.

۶۳. وحیدخراسانی، حسین (بی‌تا). منهاج‌الصالحین. بی‌جا: بی‌نا.

